معرفت
سال سی و دوم، شماره دهم، پیاپی ۳۱۳، دی ۱۴۰۲، ص ۸۳ـ۹۲
https://creativecommons.org/licenses /by-nc /4.0
10.22034/marifat.2023.2021604

نوع مقاله: ترویجی

موانع رشد تولید از دیدگاه اسلام

سمیه یوسفی / دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت‌الله حائری میبد
usofi.sara@yahoo.com orcid.org/0000-0001-5737-3412
دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

چکیده

اسلام خواهان عزت و اقتدار مسلمین در تمامی عرصه‌ها و ازجمله عرصه اقتصادی است و کار و تولید مقدمه رسیدن به این هدف است. ازاین‌رو اسلام برای کار و تولید اهمیت ویژه‌ای قائل شده و مسلمانان را به‌سوی آن دعوت می‌کند و در شرایطی که دشمنان اسلام با ترفندهای مختلف سعی می‌کنند با ضربه‌زدن به اقتصاد مسلمین آنها را تحت سیطره خود در بیاورند؛ با برشمردن موانع رشد تولید و تکیه بر فعالیت‌های مختلف تولیدی آنها را به مقابله با دشمنان دعوت می‌کند.
رفع موانع تولید و رسیدن به رشد تولید و خودکفایی مسلمین و بی‌نیازی‌جستن از سرزمین‌های کفر، روش‌ها و راه‌کارهای بی‌عیب و نقصی را می‌طلبد که تنها از طریق یک مکتب فرامادی و الهی قابل استخراج است. در این تحقیق که به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده سعی بر آن است تا با تکیه بر آیات و سخنان گهربار ائمه معصومان﵈ به معرفی موانع رشد تولید در راستای رسیدن به رشد و اقتدار اقتصادی مسلمین بپردازیم. براساس نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق، موانع تولید عبارتند از: شرک به خدا، کفران نعمت، عدم بهره‌برداری از سرمایه‌های طبیعی، اسراف در منابع تولید، فعالیت‌های عقیم اقتصادی، ثروت‌اندوزی، تمرکز ثروت در دست اغنیاء، عدم تخصص‌مداری در امر تولید، چشم‌داشت به امکانات دشمن، رباخواری، عدم رعایت اصول و معیارهای تولید در جامعه اسلامی فعالیت‌های عقیم اقتصادی، ثروت‌اندوزی، تمرکز ثروت در دست اغنیاء، چشم‌داشتن به امکانات دشمن.

کلیدواژه‌ها: موانع، تولید، قرآن، اسلام.

مقدمه

در شرایطی که جوامع اسلامی با مشکلات اقتصادی از قبیل تورم، بیکاری، فقر و... دست و پنجه نرم می‌کنند و سران کفر نیز از این وضعیت لذت برده و حتی سعی می‌کنند که به‌منظور تسلط بر مسلمانان، بر دامنهٔ این مشکلات بیفزایند (آل‌عمران: ۱۱۸)، بهترین راه خلاصی را می‌توان در رفع موانع تولید و رشد تولیدات داخلی همراه با بهبود کیفیت کالاها و خدمات جست‌وجو کرد.

هر جامعه‌ای برای اینکه بتواند در زمینه تولید به رشد و پیشرفت دست پیدا کند، در ابتدا باید از سرمایه‌های موجود در سرزمین خود بهترین استفاده را ببرد و از این طریق منافع اقتصادی خود را تأمین کند.

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین مکتب الهی، افزایش هرچه بیشتر تولید و بهره‌برداری از طبیعت تا حداکثر ممکن را در چارچوب مقرراتی خاص، مورد تأکید قرار داده و تجاوز از این حدود را جایز نمی‌داند؛ چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُحَرِّمُوا طَیِّباتِ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَکُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدین» (مائده: ۸۷)؛ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده بر خود حرام نکنید، و از حد تجاوز نکنید؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

البته در این مسیر موانعی، رشد تولید را به مخاطره انداخته و تهدید می‌کند؛ ولی اسلام با اندیشیدن تدابیری به مبارزه با این موانع پرداخته و از به هدررفتن سرمایه‌ها در راه‌های غیرتولیدی و زیان‌بار جلوگیری به‌عمل آورده است.

در زمینهٔ تولید و مباحث مربوط به آن در اقتصاد اسلامی، کتاب‌های زیادی نوشته شده است؛ مانند: ***سیستم اقتصادی اسلام*** (حجازی، ۱۳۵۷)، ***اقتصاد در مکتب اسلام*** (حجتی کرمانی، ۱۳۵۰)، ***نظری به نظام اقتصادی اسلام*** (مطهری، ۱۳۷۵)، ***مقایسه‌ای بین سیستم‌های اقتصادی*** (مظاهری، بی‌تا)؛ که در این کتب فقط به بررسی نظام‌های اقتصادی مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر پرداخته‌اند. برخی کتب دیگر مانند: ***توسعه اقتصادی بر پایهٔ قرآن و حدیث*** (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲)، ***خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات*** (خوش‌نویس، ۱۳۵۹) نیز تنها به معرفی آیات و روایات در زمینهٔ موضوعات اقتصادی مختلف پرداخته‌اند و تعدادی دیگر از این کتب مانند: ***اقتصادنا*** (صدر، ۱۳۵۷)، ***درآمدی بر اقتصاد اسلامی*** (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳) و ***مبانی اقتصاد اسلامی*** (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴)، ***شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*** (خلیلیان، ۱۳۹۰) هم به مباحثی چون انواع مالکیت در اسلام، تولید، توزیع و مصرف، ماهیت و وظایف اقتصادی دولت پرداخته‌اند. این‌گونه کتاب‌ها هم که به مبحث تولید پرداخته‌اند، بیشتر از دید فقهی به این مسئله نگریسته‌اند.

کتاب دیگری با عنوان ***اقتصاد در قرآن*** (ابراهیمی، ۱۳۷۵) نیز به‌چاپ رسیده که در آن به مباحث مختلف تولید، توزیع، مصرف و رشد پرداخته شده است؛ ولی در قسمت تولید، مباحث مربوطه بدون اینکه از هم مجزا شوند، به‌صورت درهم در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند. در این قسمت علاوه بر ذکر عوامل تولید چون زمین، باران و نیروی انسانی، از حیوانات به‌عنوان مهم‌ترین منابع اقتصادی، عسل و خرما به‌عنوان دو غذای اساسی، عسل به‌عنوان غذا و دارو و بحث‌هایی چون آهن، سدسازی، فعالیت اقتصادی زنان، بهره‌برداری از دانه‌های روغنی، تقسیم کسب‌ها و درآمدهای غیرمشروع سخن به‌میان آمده است. کتاب ***مالکیت، کار و سرمایه*** (پیمان، ۱۳۵۶) نیز در مبحث کار به مسائلی چون مالکیت زمین و منابع طبیعی، آزادی بشر، برابری زن و مرد، مبارزهٔ اسلام با بردگی و برده‌داری و در مبحث سرمایه به مسائلی چون دیدگاه اسلام در مورد ثروت، انفاق مازاد بر نیاز انسان، مسئلهٔ استثمار و چگونگی پیدایش سرمایه‌داری پرداخته است. کتاب مختصر دیگری هم در زمینهٔ ***تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی*** (گروه مطالعاتی مؤسسه قرآنی ندای ملکوت، ۱۳۹۱) به‌چاپ رسیده که بیشتر به بیانات مقام معظم رهبری در سال حمایت از کار و سرمایه ایرانی پرداخته است. بنابراین با وجود تألیفات گسترده در زمینهٔ اقتصاد اسلامی، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای مستقل در زمینهٔ موانع تولید از دیدگاه اسلام که در جهت رسیدن به عزت و اقتدار اسلامی باشد، یافت نشد.

هدف از این پژوهش پاسخ‌گویی به این سؤال است که موانع تولید از دیدگاه اسلام چیست؟

از دیدگاه قرآن، موارد متعددی در رکود فعالیت‌های تولیدی دخیل هستند که در ادامه به بیان و بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۱. شرک به خدا

یکی از موانع رشد تولید که از آیات قرآن برداشت می‌شود «غرور و

شرک به خداوند» است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ أُحِیطَ بِثمرِهِ فَأَصْبَحَ یُقَلِّبُ کَفَّیْهِ عَلیَ مَا أَنفَقَ فِیهَا وَ هِیَ خَاوِیَةٌ عَلیَ عُرُوشِهَا وَ یَقُولُ یَالَیْتَنِی لَمْ أُشْرِکْ بِرَبِی أَحَداً» (کهف: ۴۲): و ثمره و میوه‌هایش همه نابود گردید و او (از شدت حزن و اندوه) بر آنچه در باغ خرج کرده بود، دست بر دست می‌زد که بنا و اشجارش همه ویران و خشک شده بود و می‌گفت: ای کاش من احدی را با خدای خود شریک نمی‌ساختم.

براساس این آیه عاملی که باعث از بین رفتن باغ و محصولات آن شد «شرک به خداوند» است. ممکن است در اینجا این سؤال مطرح شود که جوامع زیادی وجود دارند که مشرک به خدا هستند و غرورشان به حدی است که منابع اقتصادی کشورشان، برایشان کافی نبوده و دست به چپاول دیگر کشورها می‌زنند؛ اما از نظر رشد اقتصادی نسبت به کشورهای اسلامی در بهترین وضعیت قرار دارند.

در جواب باید گفت که هدف نظام اقتصادی اسلام چیزی فراتر از کسب درآمد و سود بیشتر است. این هدف در جهت هدف خلقت پایه‌ریزی شده؛ به‌طوری‌که عوامل مؤثر در تولید با انگیزه اطاعت و بندگی خداوند به فعالیت تولیدی می‌پردازند؛ درحالی‌که در این جوامع هدف از تولید صرفاً کسب ثروت و منفعت بیشتر است و این ثروت اگرچه ممکن است تا حدودی منافع دنیوی آنها را تأمین کند، ولی هیچ بهره‌ای برای آخرت آنها به‌همراه نخواهد داشت و حتی سعادت دنیوی آنها را نیز در پی نخواهد داشت؛ زیرا استثمار سایر ملل، موجب دشمنی آنها بر علیه جامعه و دولت استثمارگر خواهد شد.

۲. کفران نعمت

یکی دیگر از موانع رشد تولید، کفران نعمت‌های خداوند است؛ زیرا خدا در قرآن می‌فرماید: «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُم وَ لَئِن کَفَرْتُم إِنَّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ» (ابراهیم: ۷)؛ (و باز به‌خاطر آرید) وقتی خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت به‌جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است.

پس تنها شکر نعمت است که باعث افزایش نعمت می‌شود و این نکته را هم باید در نظر داشت که حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمدلله» و مانند آن نیست؛ بلکه شکر دارای سه مرحله است: نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشندهٔ نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایهٔ اول شکر است، و از آن که بگذریم مرحلهٔ زبان فرا می‌رسد؛ ولی از آن بالاتر، مرحلهٔ عمل است، شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به‌ما داده شده است؛ آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده‌ایم (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۰ ص ۲۷۸).

برای اینکه بدانیم هدف از آفرینش نعمت‌ها چیست، باید ابتدا هدف از آفرینش انسان را دریابیم؛ زیرا براساس آیات قرآن، نعمت‌ها برای انسان و بهره‌مندی او از آنها آفریده شده است (نازعات: ۳۳؛ ق: ۱۱).

خداوند در قرآن هدف خود را از آفرینش انسان، عبادت معرفی می‌کند (ذاریات: ۵۶)؛ عبادتی که براساس عشق و محبت باشد (مائده: ۵۴) نه از روی ترس از عذاب و نه از روی طمع برای بهشت (هرچند این دو نوع عبادت هم در حد خود مورد پذیرش است)؛ عبادتی خالصانه که فقط به‌خاطر استحقاق او برای عبادت صورت می‌گیرد.

این عشق و محبت را به صراحت در سخنی از امیرمؤمنان علی﵇ می‌توان مشاهده کرد که فرمودند: «مَا عَبَدْتُکَ خَوْفاً مِنْ نَارِکَ وَ لَا طَمَعاً فِی جَنَّتِکَ وَ لَکِنْ وَجَدْتُکَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُکَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۹۷؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۴۷).

عشق و محبت نیز به‌دنبال تبعیت حاصل می‌شود. ادعای دوستی و محبت خداوند زمانی تحقق پیدا می‌کند که از فرامین و دستورات او اطاعت شود و اصلاً وجود یکی بدون دیگری معنا ندارد؛ زیرا حالت عکس آن‌هم تبعیت از روی ترس و طمع است نه از روی محبت.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، شکر حقیقی زمانی صورت می‌گیرد که استفاده از نعمت‌ها، در جهت خداوند و آنچه که او دستور داده، هدایت شود و در تمامی زمان‌ها و شرایط مختلف رضایت مالک حقیقی (حدید: ۷) آنها مدنظر قرار گیرد. در این زمان است که وعدهٔ خداوند «لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ» تحقق پیدا می‌کند و باعث فزونی نعمت‌ها و رشد تولیدات در زمینه‌های مختلف می‌گردد. امام باقر﵇ طی سخنی در این زمینه از امیرمؤمنان علی﵇ نقل می‌کنند که فرمود: «به‌خدا سوگند سرنوشت هر ملتی که غرق در نعمت‌های سرشار الهی زیست و از سر تقوا پیوسته در پیروی از خدا و سپاس از نعمت‌های او گذراند، تغییر نکرد و این [خوشبختی‌ها] از جامعهٔ ایشان رخت بر نبست، مگر پس از آنکه از درون دگرگون شدند و از پیروی خداوند روی بر تافتند... و جانب خدای را کاستند و از مراقبت الهی چشم فرو بستند و سپاس نعمت‌های او را سست گرفتند. پروردگار در کتاب

استوارش می‌فرماید: خداوند سرنوشت هیچ ملتی را دگرگون نساخت، مگر اینکه خود دگرگون شدند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۵۶).

بنابراین اجتماعی که کفران ورزیده و نعمت‌ها را در راه خدا سرمایه‌گذاری نکرده، وسیله را هدف قرار داده و از خرسندی خلق خدا روی برتافته و به جمع و اندوختن ثروت پرداخته و به رباخواری، احتکار، گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب، استثمار، خیانت، ظلم، سرقت و دیگر راه‌های نامشروع دست زده و جامعه خود را به پرتگاه سقوط کشانده، برای رهایی و نجات خود، راهی در پیش ندارد جز اینکه از این راه شیطانی بر گردد و به خواسته‌های الهی گردن نهد و آنچه را انباشته در اختیار همگان قرار دهد و تهی‌دستی و نیاز را از مردمان بزداید و با سرمایه‌های کنزشدهٔ خود، مشکلات اقتصادی جامعه را حل کند.

این انقلاب و دگرگونی در احوال نظام و جامعه و مردم، بخشش و توجه خدایی را موجب می‌گردد و آسایش و آرامش و پایداری را به جامعه باز می‌گرداند (حکیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸).

ممکن است در اینجا شبهه‌ای مطرح شود که چرا بسیاری از جوامع کفر با وجود طغیان و فساد بسیار، در رفاه اقتصادی به‌سر می‌برند؟ در پاسخ باید گفت که برنامه‌ها و سنت‌های الهی متعدد و دارای مراحلی است. همان‌گونه که کنترل رزق برای جلوگیری از طغیان و فساد یک سنت عمومی است، توسعه رزق و مهلت دادن به مرفهان به‌منظور آزمایش یا مجازات نیز یک سنت است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۰۲).

۳. عدم بهره‌برداری از سرمایه‌های طبیعی

خداوند نیازهای انسان را در طبیعت قرار داده و انسان‌ها را به بهره‌برداری از این نعمت‌ها دعوت می‌کند: «هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُواْ فِی مَنَاکِبِهَا وَ کُلُواْ مِن رِّزْقِهِ وَ إِلَیْهِ النُّشُور» (ملک: ۱۵)؛ او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید؛ پس شما در پستی و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی او بخورید و (بدانید که) بازگشت همهٔ خلایق به‌سوی اوست. و انسان ها را در قبال عدم استفاده از آنها مورد توبیخ قرار می‌دهد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَةَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْق» (اعراف: ۳۲)؛ بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده، حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟

در این آیه با لحن تندتری به پاسخ آنها که گمان می‌برند تحریم زینت‌ها و پرهیز از غذاها و روزی‌های پاک و حلال، نشانهٔ زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است، پرداخته و می‌گوید: ای پیامبر بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده و همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۴۹).

از مجموع دو آیه می‌توان دریافت که خداوند نعمت‌های موجود در طبیعت را آفریده تا انسان‌ها در جهت رشد تولید و رفاه اقتصادی به بهره‌برداری از آنها بپردازند و افراد زاهد و پارسا نه‌تنها نباید خود را از بهره‌گیری از نعمت‌های الهی محروم کنند؛ بلکه براساس نص صریح قرآن آنها به استفاده از مواهب و امکانات موجود شایسته‌ترند: «قُلْ هِیَ لِلَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیا خالِصَةً یَوْمَ الْقِیامَة» (اعراف: ۳۲)؛ بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان است.

امام صادق﵇ نیز در این‌باره می‌فرمایند: «إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْیَا، فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا، لَا فُجَّارُهَا، وَ مُؤْمِنُوهَا، لَا مُنَافِقُوهَا، وَ مُسْلِمُوهَا، لَا کُفَّارُهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۲۱۳)؛ زمانی‌که نعمت‌ها وفور یافت و دنیا به انسان روی آورد، بندگان صالح و شایسته و افراد با ایمان و مسلمان به استفاده از آن مواهب و امکانات سزاوارترند، نه بدکاران، منافقان و کافران.

براساس سخنی از پیامبر اکرمﷺ خداوند دوست دارد که اثر نعمت‌هایش را در زندگی بندگانش مشاهده کند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵) و اگر جامعه اسلامی به هر دلیلی در اثر استفاده نکردن از این نعمت‌ها به فقر و عقب‌ماندگی دچار شود، به حکم قانون الهی که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خدای متعال آن ملت را به همان حال فقر و عقب‌ماندگی نگه می‌دارد.

شاید به‌همین دلیل استفاده از سرمایه‌های طبیعی در جهت رشد تولید است که خداوند در قرآن انسان‌ها را به بهره‌مندی از زمین و آبادانی آن دعوت می‌کند (هود: ۶۱) و پیامبر گرانقدرش در جهت تشویق افراد در به‌کارگیری سرمایه‌های طبیعی، مالکیت زمین‌های موات که متعلق به خدا و رسولﷺ است را در صورت احیای آنها به احیاکننده‌اش واگذار می‌کند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۱۱۱؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۸۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۲۴).

موضع‌گیری دین در راستای عدم بهره‌مندی از سرمایه‌های طبیعی به این علت است که منابع تولیدی همیشه زیر کشت و بهره‌گیری باشند و تولیدات مسلمین به نهایت رشد خود برسد.

۴. اسراف در منابع تولید

اسراف ازجمله مواردی است که سرمایه و امکانات را از مسیر اصلی تولید منحرف ساخته و به مسیر تباهی می‌کشاند و طبیعی است که تباه‌سازی امکانات و استفاده مصرف‌گرایانه از دارایی‌ها نابخردانه است و نمی‌تواند به آبادانی و سازندگی اصولی بیانجامد.

خداوند حکیم این عامل را نیز از نظر دور نداشته و در این زمینه فرموده است: «... کُلُواْ وَ اشرَبُواْ وَ لَا تُسرِفُوا إِنَّهُ لَا یحُبُّ الْمُسرِفِین» (اعراف: ۳۱)؛ ... بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.

در این آیه پس از امر به خوردن و نوشیدن از اسراف در نعمت‌های خداوند منع کرده است.

کلمه «اسراف» کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمّیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود، و این روش قرآن است که به‌هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، فوراً جلو سوءاستفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۵۰).

بنابراین اسراف در سطح تولید، مانند مصرف ممنوع است و تولیدکننده نباید مازاد بر نیاز جامعه و قدرت بازاریابی آن تولید کند؛ زیرا تولید مازاد نوعی اسراف و از بین‌بردن غیرمنطقی سرمایه‌ها و قدرت تولیدی جامعه است (خلیلیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷).

براساس توضیحات بالا، نه‌تنها تولید مازاد، بلکه هرگونه کم‌کیفیتی، بی‌کیفیتی، تعلل در کار تولید یا هر آنچه که منابع تولید را از مسیر ایده‌آل خود خارج کند از مصادیق اسراف شمرده می‌شود.

۵. فعالیت‌های عقیم اقتصادی

اسلام فعالیت‌هایی مانند قمار، رشوه، سحر، دزدی و... که از نظر اقتصادی عقیم‌اند را تحریم کرده تا از به‌هدر رفتن سرمایه و قوای فعال اجتماع در راه‌های غیرتولیدی و زیان‌بار جلوگیری شود و در نتیجه آنان که در معرض سقوط در چنین مهالکی هستند، به اجبار در راه تولید به حرکت در آیند.

خداوند در قرآن کسب درآمد از این طریق و سایر طرق مشابه را مورد نهی قرار داده و فرموده: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید.

«باطل» در مقابل «حق» است و هر چیزی را که ناحق و بی‌هدف و بی‌پایه باشد را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلایی بوده باشد، ممنوع شناخته شده و همه تحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد، قرار می‌گیرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۵).

این قبیل درآمدها و آلودگی به آن، مفید بودن و تحرک اقتصادی انسان را از بین می‌برد و اسلام با تحریم کسب درآمد از راه این‌گونه تولیدات، علاوه بر جلوگیری از فسادی که بر خود این امور مترتب است، بسیاری از نیروهای تولیدی و مواد طبیعی را که می‌توانست در این‌گونه مسیرهای انحرافی قرار گیرد، برای بهره‌برداری صحیح آزاد کرده است و اگر تنها از بعد اقتصادی ملاحظه شود، می‌تواند در جامعه اثر مثبتی بگذارد؛ زیرا اشتغال عوامل تولید در مسیرهای انحرافی، علاوه بر آنکه موجب عدم استفاده از آنها در تولید مفید می‌گردد، قسمتی از درآمد حقیقی جامعه را نیز به‌خود اختصاص می‌دهد؛ زیرا به‌هرحال باید نیازهای واقعی افراد شاغل در این‌گونه تولیدات برآورده شود؛ درصورتی‌که خود، تولید واقعی ندارند و ناگزیر موجب کاهش سهم دیگران می‌گردند. به‌علاوه مصرف‌کنندگان چنین تولیداتی نیز نیروی کار خویش را از دست می‌دهند؛ زیرا افراد به‌جای آنکه اوقات خود را صرف کارهای سازنده یا تفریحات سالم و یا سایر وظایفی که به عهده دارند بکنند، در این مسیرهای انحرافی گرفتار شده و اوقات خود را به‌بطالت می‌گذرانند و چه‌بسا موجب گردد که انگیزهٔ فعالیت و نیروی کار به‌طور کلی در آنها از بین برود و گسترش این امر موجب می‌شود کم‌کم درآمد حقیقی و سودمند جامعه پایین بیاید و در این هنگام است که به‌ناچار بیشترین درآمدها صرف هزینه‌های جاری و مستمر شده و ذخیره کافی برای سرمایه‌گذاری باقی نخواهد ماند و یا روند سرمایه‌گذاری جامعه رو به کاهش می‌گذارد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، ص ۲۹۵)؛ و درصورتی‌که عوامل خنثاکننده‌ای در اینجا وجود نداشته باشد، این عیاشی‌ها و بطالت‌ها که معمولاً با سایر عوامل تباهی همراه است، آثار شومی را بر اوضاع عمومی و جریان تولید بر جای خواهد گذاشت و موجبات سقوط جامعه را فراهم خواهد آورد (اسراء: ۱۶).

۶. ثروت‌اندوزی (کنز کردن)

ثروت‌اندوزی و خارج‌کردن دارایی‌های نقدی از چرخهٔ اقتصادی، مانعی دیگر در رشد تولید است. خداوند در قرآن، کسانی که به چنین امری مبادرت می‌ورزند را به‌شدت مورد مذمت قرار داده و می‌فرماید: «يَاأَ ايهُّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِنَّ كَثِيراً مِّنَ الْأَحْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّه وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنفِقُونهَا فىِ سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، يَوْمَ يُحْمى عَلَيْهَا فى نارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوى بِها جِباهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هذا ما كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا ما كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه: ۳۴ــ۳۵)؛ ای اهل ایمان، بسیاری از علما و راهبان (یهود و نصارا) اموال مردم را به باطل طعمه خود می‌کنند و (خلق را) از راه خدا منع می‌کنند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنها را به عذابی دردناک بشارت ده. روزی‌که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند:] «این است آنچه برای خود اندوختید؛ پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید، بچشید».

کنز در لغت به معنای روی هم انباشتن و گردآوردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۷) مال زیاد و انباشته، کنز نامیده می‌شود. اشخاصی که با شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون، اموالی را گرد می‌آورند، اهل کنز هستند. پول‌ها و سرمایه‌های شخصی باید به‌نوعی به سود جامعه در گردش باشد و گنج کردن و گردآوردن و بر روی هم انباشتن و از دسترس استفاده جامعه دور نگه‌داشتن کنز نام دارد (حکیمی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۸).

این آیه صریحاً ثروت‌اندوزی و گنج‌سازی اموال را تحریم کرده است و به مسلمانان دستور می‌دهد که اموال خویش را در راه خدا و در طریق بهره‌گیری بندگان خدا به‌کار اندازند، و از اندوختن و ذخیره کردن و خارج ساختن آنها از گردش معاملات به‌شدت بپرهیزند؛ در غیر این‌صورت باید منتظر عذاب دردناکی باشند.

این عذاب دردناک تنها کیفر شدید روز رستاخیز نیست؛ بلکه مجازات‌های سخت این دنیا را که بر اثر به‌هم خوردن موازنهٔ اقتصادی و پیدایش اختلافات طبقاتی دامان فقیر و غنی را می‌گیرد نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۹۳).

مفسر گرانمایه *علامهٔ طباطبائی* در تفسیر این آیه می‌نویسد: نهی آیه شریفه نهی از داشتن پول نیست؛ بلکه نهی از حبس آن است؛ چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمّیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزارها برابر آن دفینه ثروت می‌داشت، ولی آن را حبس نمی‌کرد، بلکه آن را در معرض جریان قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت؛ چون با جریان ثروت او، هم خود او استفاده می‌کرد و هم دیگران از آن بهره‌مند می‌شدند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۴).

لازم به ذکر است که «سبیل‌الله» هرکاری است که نفع عموم در آن باشد؛ از قبیل جهاد، ترویج دین، امر به معروف، ساختن پل‌ها، راه‌ها، بیمارستان‌ها و... مؤمن واقعی و انسان کامل آن است که مازاد خویش را با ایمانی پرشور و عشق فراوان در راه تأمین عموم که همان سبیل‌الله است، مصرف کند تا همه از مواهب خدا به سعادت رسند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶ ص ۱۵۱).

بنابراین منظور از انفاق آن انفاقی که قوام دین بر آن است؛ به‌طوری‌که اگر در آن مورد انفاق نشود، به اساس دین لطمه وارد می‌آید؛ پس تنها دادن زکات مدنظر آیه نیست؛ بلکه هم زکات را شامل می‌شود و هم حوایج ضروری جامعه از قبیل جهاد و دفاع و حفظ جان‌ها از هلاکت و امثال آن.

از امام صادق﵇ در این زمینه روایتی وارد شده که فرمود: «إِنَّمَا أَعْطَاكُمُ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوَجِّهُوهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمُوهَا لِتَكْنِزُوهَا» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۴؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۶ ص ۴۹؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۷۴۵)؛ اموالی را که خداوند افزون بر اندازهٔ نیازتان به شما بخشیده برای آن است که در راه بایسته و خداپسندانه به‌کار گرفته شود، نه اینکه انباشته و گنج شود.

پس اگر کسی با وجود احتیاج اجتماع به هزینه، سرمایه و نقدینه را احتکار و حبس کند، او نیز از کسانی است که در راه خدا انفاق نکرده و باید منتظر عذابی دردناک باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۳ـ۳۳۴)؛ زیرا رکود و تجمع سرمایه در اسلام ممنوع است و باید در راه‌های مشروع آن‌را به جریان انداخت تا مانند رودخانه بزرگی باشد که به جوی‌های کوچک منقسم شده و مزارع بی‌شماری را آبیاری کند؛ نه اینکه در پس سدی عظیم روی هم انباشته و بی‌مصرف بماند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶ ص ۱۵۱).

با توضیحات داده شده به‌خوبی می‌توان دریافت که اسلام با تحریم ثروت‌اندوزی می‌خواهد که سرمایه‌های نقدی در جریان فعالیت‌های اقتصادی وارد شده و در جهت رشد تولید و برآوردن نیازهای مسلمین و در نهایت عزت و اقتدار سیاسی مسلمین به‌کار گرفته شود.

۷. تمرکز ثروت در دست اغنیاء

تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود، از دیگر عوامل بازدارنده‌ای است که خداوند در قرآن بر آن تأکید کرده و فرموده است: «ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ‌السَّبِيلِ كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷): آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آنِ خدا و از آنِ پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به‌دست نگردد.

اگرچه منع تمرکز ثروت، مستقیماً به توزیع مربوط می‌شود؛ ولی ازآنجاکه مخاطرات آن، نظام تولید جامعه را نیز تهدید می‌کند، به‌طور غیرمستقیم به تولید نیز مربوط می‌شود؛ زیرا تمرکز سرمایه در دست عده‌ای خاص، فقر عمومی را به‌همراه خواهد داشت و به‌علت پایین بودن قدرت خرید عمومی، توده مردم نمی‌توانند احتیاجات خود را برطرف کنند و ازاین‌رو کساد و رکود بر سازمان تولید مستولی می‌گردد و آن را از حرکت بازمی‌دارد (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۲۸۵).

۸. عدم تخصص‌مداری در امر تولید

برای تولیدات بهتر در زمینه‌های مختلف اقتصادی لازم است که افراد در زمینه‌هایی که مربوط به تخصص و استعدادهای آنهاست، مشغول به‌کار شوند و با همکاری هم در جهت تولید کالاهایی باکیفیت اقدام کنند. خداوند این همکاری و به‌خدمت‌گیری دیگران را در قرآن به زیبایی به‌تصویر کشیده است؛ آنجاکه می‌فرماید: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نحَنُ قَسَمْنَا بَيْنهَم مَّعِيشَتَهُمْ فىِ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يجَمَعُون» (زخرف: ۳۲)؛ آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! حال آنکه ما روزی آنها را در زندگی دنیا میانشان تقسیم می‌کنیم، و بعضی را به مرتبت، بالاتر از بعضی دیگر قرار داده‌ایم تا بعضی بعض دیگر را به‌خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه آنها گرد می‌آورند، بهتر است.

منظور از عبارت «رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» استخدام عمومی مردم نسبت به‌یکدیگر است، به این معنا که هر گروهی امکانات و استعدادها و آمادگی‌های خاصی دارند که در یک رشته از مسائل زندگی می‌توانند فعالیت کنند، طبعاً خدمات آنها در آن رشته در اختیار دیگران قرار می‌گیرد؛ همان‌گونه که خدمات دیگران در رشته‌های دیگر در اختیار آنها قرار می‌گیرد. خلاصه، استخدامی است متقابل و خدمتی است طرفینی و به‌تعبیر دیگر، هدف، تعاون در امر زندگی است و نه چیز دیگر.

ناگفته پیداست که اگر همهٔ انسان‌ها از نظر هوش و استعداد روحی و جسمی یکسان باشند، هرگز نظام‌های اجتماعی سامان نمی‌یابد؛ همان‌گونه که اگر سلول‌های تن انسان از نظر ساختمان و ظرافت و مقاومت همه شبیه هم بودند، نظام جسم انسان مختل می‌شد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۵۲).

امیرمؤمنان علی﵇ در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خداوند استخدام دیگران را یکی از راه‌های گذران زندگی مردم قرار داد؛ زیرا او از روی حکمت و مصلحت همت‌ها و خواسته‌های مردم را گوناگون ساخت و این اختلاف را عامل تداوم حیات مردم قرار داد... به‌طوری‌که هرکس به‌دنبال کار و شغلی می‌رود که همت و استعداد او اقتضا دارد و همین، سبب همبستگی و هم‌کاری در امور زندگی و اصلاح آن می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۸).

بارها به تجربه ثابت شده که انجام هیچ کاری بدون تجربه و تخصص امکان‌پذیر نیست و اگر انجام هم بگیرد، یا در جهت خلاف مقصود است یا ناقص و کم‌فایده. ازاین‌رو داشتن مهارت و تخصص در همه امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه امور اقتصادی و تولیدی، لازم و ضروری است و واگذاری این امور به افراد غیرمتخصص، نابسامانی، عقب‌ماندگی و فقر و محرومیت را برای جامعه به‌دنبال خواهد داشت.

شاهد بر ادعا آیه‌ای است از قرآن کریم، آنجا که حضرت یوسف﵇ در برابر دستور عزیز مصر مبنی بر به‌عهده گرفتن مسئولیتی در جهت اصلاح امور در شرایط بحران اقتصادی آن دوران پیشنهاد می‌کند: «اجْعَلْنى عَلى خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّى حَفِيظٌ عَلِيم» (یوسف: ۵۵)؛ مرا بر خزانه‌های این سرزمین به‌گمار، که من نگهبانی دانا هستم.

با توجه به این آیه، حضرت یوسف﵇ در میان تمامی مسئولیت‌ها، خزانه‌داری مصر را پیشنهاد می‌دهد و دلیل خود را دارا بودن صفات لازم برای تصدی این امر مهم (تخصص و تعهد) بیان می‌کند.

آیه دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، آنجایی است که یکی از دختران شعیب﵇ به پدرش پیشنهاد استخدام موسی﵇ را در نگهداری گوسفندان می‌دهد؛ «يا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ

الْأَمینُ» (قصص: ۲۶)؛ ای پدر، او را استخدام کن؛ چراکه بهترین کسی است که استخدام می‌کنی؛ هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است.

با دقت در این آیه نیز می‌بینیم که دلیل دختر شعیب بر استخدام موسی، دو صفت قوت لازم در راستای توان انجام کار (و ازجمله تخصص) و امانت‌داری و تعهد است.

۹. چشم‌داشتن به امکانات دشمن

در آیات الهی به این حقیقت اشاره شده که چشم‌داشتن به امکانات دیگران یکی از مهم‌ترین عوامل سقوط یک جامعه است. جامعه‌ای که با وجود دارا بودن امکانات و استعدادهای فراوان به امکانات دیگران چشم داشته باشد، هرگز نمی‌تواند از عزت کافی برخوردار باشد و مدام برای بهره‌وری از امکانات دیگران باید در برابر آنها سر تعظیم فرود بیاورد و در برابر آنها خضوع و خشوع کند. خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اکرم را از چشم‌داشت به امکانات دشمن بر حذر داشته و می‌فرماید: «لا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ اخْفِضْ جَناحَکَ لِلْمُؤْمِنینَ» (حجر: ۸۸)؛ و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم، چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر.

خداوند در این آیه به مسلمانان اخطار می‌کند که در برابر امکاناتی که به دیگران داده است، بر توانایی‌ها و امکانات خود تکیه کنند، نه اینکه خود را با کشورها و شخصیت‌های مختلف مقایسه کنند و از کمبودهای خود غمگین و ناراحت بشوند؛ چراکه این طرز تفکر نشانهٔ عدم رشد کافی و احساس حقارت درونی و کمبود همّت است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۳۵).

پیامبر اکرم در روایتی می‌فرمایند: «مَنْ رَمَی بِبَصَرِهِ إِلَی مَا فِی یَدَیْ غَیْرِهِ کَثُرَ هَمُّهُ وَ لَمْ یُشْفَ غَیْظُه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۸۹)؛ کسی که چشم خود را به آنچه در دست دیگران است بدوزد، همیشه اندوهگین و غمناک خواهد بود و هرگز آتش خشم در دل او فرو نمی‌نشیند.

ملتی که می‌خواهد در برابر مستکبران دنیا با عزت و سربلندی قد علم کند، به‌جای اینکه مدام خود را با سرمایه‌ها و پیشرفت‌های آنها ـ که آن هم بیشتر در جهت مادی است ـ مقایسه کند، نیروی فکری و جسمانی خویش را در راه رشد و ترقی خویشتن به‌کار می‌گیرد و با بهره‌گیری درست از امکاناتی که در اختیار دارد در جهت رشد تولیدات بهتر و بیشتر گام برمی‌دارد.

۱۰. رباخواری

مانع مهم دیگر در رشد تولید، رباخواری و کسب سود بیشتر است؛ زیرا متداول‌ترین شیوه‌ای که پیش از اسلام، پس‌اندازها را به جریان تجارت یا مصرف راهی می‌کرد، از طریق قرض یا معامله ربوی بود. رونق تجارت پیش از اسلام نیاز به سرمایه را تشدید می‌کرد و این شدت تقاضا، زمینه را برای عرضه ربوی فراهم می‌کرد. از نظر ثروتمندان قریش، ربا بهترین شیوه بهره‌برداری از پس‌اندازهایشان بود؛ چون با رباخواری، دیگر لازم نبود رنج مسافرت و حمل و نقل کالا و خطرهای توأم با فعالیت تجاری را متحمل شوند؛ اما در عوض سرمایه ربادهندگان و سود آن از هر خطری مصون بود و چنانچه وام‌گیرنده نمی‌توانست قرض ربوی خود را بپردازد، به بردگی شخص ربادهنده درمی‌آمد. بدین ترتیب صاحبان پس‌اندازهای هنگفت، ربا دادن را بر مشارکت در تجارت ترجیح می‌دادند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷).

با ظهور اسلام رباخواری به‌تدریج تحریم شد (روم: ۳۹؛ نساء: ۱۶۱؛ آل‌عمران: ۱۳۰؛ بقره: ۲۷۵ـ۲۷۹)؛ و دامنهٔ استفاده از پس‌اندازها تا حدودی محدود شد؛ به‌طوری‌که جز از طریق مشارکت و ایجاد ارزش افزوده راهی برای انتفاع صاحبان پس‌انداز باقی نماند و با توجه به اینکه فعالیت‌های عمدهٔ اقتصادی در صدر اسلام را خدمات، کشاورزی و پیشه‌وری دربر می‌گرفت، شکل‌های قانونی مناسب با این سه نوع فعالیت، یعنی مضاربه، مزارعه و مساقات و مشارکت ارائه شد تا سرمایه‌های نقدی در تجارت و پیشه‌وری و سرمایه‌های غیرنقدی به‌سمت تولید در کشاورزی و نظیر آن هدایت شود (همان، ص ۱۴۳).

امروزه نیز در جامعه‌ای که دریافت بهره پذیرفته شده باشد، افراد آن جامعه تا اطمینان حاصل نکنند که کاری سودآور است، اقدام به انجام آن کار نمی‌کنند؛ در نتیجه اشخاص سرمایه‌دار، اموال خود را در وام‌های کوتاه مدت به‌کار می‌اندازند تا در صورت ترقی نرخ بهره از شرایط بهتر و منافع بیشتر استفاده کنند و از سوی دیگر وام‌گیرندگان نیز مجبورند به‌کارهای کوتاه مدت بپردازند تا بتوانند وام و بهره را به‌موقع پرداخت کنند و اینها همه منجر به پیدایش بحران و متزلزل شدن اوضاع اقتصادی می‌گردد. اما تحریم بهره توسط اسلام باعث شده که رباخواران به صفوف بازرگانان و تولیدکنندگان پیوسته و منافع خود را در کارهای تولیدی بیابند و بدین ترتیب به‌جای آنکه همواره قسمتی از سرمایه نقدی در دست رباخواران راکد و بلا استفاده بماند، به‌کار افتاده و اقتصاد جامعه را رونق می‌بخشد.

براساس روایتی از امام رضاؑ یکی از علت‌های تحریم ربا توسط اسلام، «رکود فعالیت‌های تولیدی» است؛ زیرا ایشان طی روایتی علت تحریم ربا را تباه شدن اموال دانستند و فرمودند: «خداوند عزوجل از ربا نهی کرد، چون مایه تباهی اموال است؛ زیرا که انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم، درهم است و بهای درهم دیگر باطل است؛ پس خرید و فروش ربوی، در هرحال برای فروشنده و خریدار زیان و کمبود دارد؛ پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد؛ زیرا که اموال تباه می‌گردد؛ چنان‌که منع‌کرد سفیهان اموال خود را در دست گیرند؛ چون بیم تباهی آن اموال می‌رود...» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۳ـ۹۴؛ همو، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸۲).

با دقت در این حدیث درمی‌یابیم که در فرایند ربا، اموال هر دو طرف (ربادهنده و رباگیرنده) تباه می‌شود. فرد سرمایه‌دار با به‌کارگیری سرمایهٔ بدون کار و استفاده از بهرهٔ پول، ثروت‌ها می‌اندوزد و گروه زیادی را از زندگی ساقط می‌کند؛ زیرا ثروت و سرمایه آنها به‌تدریج به جیب یک نفر سرازیر می‌شود؛ به‌طوری‌که از یک طرف سرمایه‌ای برایشان باقی نمی‌ماند که در فرایند تولید سرمایه‌گذاری کنند و از طرف دیگر قدرت خرید کالاهای موردنیاز خود را از دست می‌دهند و به این ترتیب تولید با رکود مواجه خواهد شد.

در این جریان، مال رباخوار به‌ظاهر رشد می‌کند و افزون می‌گردد؛ اما در اصل، اموال او هم دچار تباهی می‌گردد؛ زیرا رباخواری افراد را به بهره‌خواری و سودخواهی سوق می‌دهد و در نتیجه، موازین اخلاقی و انسانی و مسئولیت‌های گروهی فراموش می‌گردد و تعاون و مددکاری اجتماعی یک سو نهاده می‌شود و بدین‌سان فریضه‌های اجتماعی دربارهٔ ناتوانان فراموش می‌گردد.

در رباخواری میل به سود بیشتر و دستیابی به ثروت افزون‌تر، معیار و هدف قرار می‌گیرد و انگیزه الهی و انسانی خدمت به خلق و تأمین مصالح عمومی و رفع نیازها و کمبودهای اجتماع و اهتمام به امور مسلمانان ابداً لحاظ نمی‌شود و این حقیقتی است که امام رضاؑ در شمارش علل تحریم ربا، آن را به زیبایی به‌تصویر کشیدند و فرمودند: «و علت تحریم ربا در نسیه (و معاملات غیرنقدی) از دست‌رفتن کارهای نیک و تلف‌شدن اموال و گرایش مردم به سودخواری و رهاکردن قرض (دادن) و پرداخت واجبات (مالی) و انواع نیکوکاری است...» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۴).

بنابراین فرد رباخوار تمام کوشش خود را در جهت رشد سرمایه و افزایش سود آن از این طریق معطوف می‌کند و به رشد تولید و تأمین مصالح جامعه و رفع نیاز عموم توجهی ندارد.

۱۱. عدم رعایت اصول و معیارهای تولید در جامعه اسلامی

براساس احادیث رسیده از معصومانؑ تولید در جامعه اسلامی دارای خصوصیات، اصول و ضوابطی است و همهٔ آنچه در جامعه اسلامی تولید می‌شود باید از این اصول و ویژگی‌ها برخوردار باشد.

امام صادقؑ در حدیثی ضمن معرفی صنعت‌ها، این اصول و ویژگی‌ها را بر شمرده و می‌فرماید: «... اما صنعت‌ها، همهٔ صنعت‌هایی را که مردمان یاد می‌گیرند یا یاد می‌دهند، شامل می‌شود؛ همچون خطنویسی (منشی‌گری) و حساب و تجارت و زرگری و سراجی (زین‌سازی) و بنایی و جولایی (بافندگی) و گازری (لباس‌شویی) و خیاطی و ساخت انواع تصاویر [مجاز]، و انواع مختلف آلاتی که مردمان به آنها نیاز دارند و از آنها سود می‌برند و مایه قوام زندگی است، و وسیله‌ای برای دست‌یافتن به همهٔ نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به‌کار با همهٔ اینها و تعلیم‌دادن آنها، چه برای خود و چه برای دیگران، حلال است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵؛ حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۶۰).

با توجه به این کلام، چهار اصل مهم برای تولید که باید دستور کار هر جامعه اسلامی باشد، قابل استخراج است:

۱. اصل احتیاج عمومی (التی یحتاج إلیها العباد)؛

۲. اصل سودمندی عمومی (التی منها منافعهم)؛

۳. اصل قوام‌بودن اجتماعی (و بها قوامهم)؛

۴. اصل پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های عمومی (و فیها بلغة جمیع حوائجهم).

پس در پرتو توجه به این اصول، واجب است که تولید ـ از لحاظ کمّی و کیفی ـ محدود به حدودی باشد که این اصول اساسی معین کرده است. با این قیود، تولیداتی که موجبات فساد در جامعه را فراهم می‌آورند و قوام جامعه را به‌خطر می‌اندازند و تولیدات خصوصی که مقدار فراوانی از مواد خام و اوقات و مهارت کارگران و سازندگان و کارخانه‌ها و ثروت‌های جامعه و نیروها و معدن‌های متعلق به عموم، برای تهیه آنها مصرف می‌شود و گروه اندکی از آن برخوردار می‌شوند و اسباب آسایش و خوشی شادخوارانه آنان را فراهم

می‌آورد، و مایه افت اخلاقی و غرور غیرانسانی آنان می‌شود، از خط تولید بیرون می‌رود. لازم به‌ذکر است که هدف از این موضع‌گیری در عدم تولید کالاهای لوکس و تجمّلی، دست کشیدن از اجناس و کالاهای تجملی و نظایر آنها ـ درصورتی‌که عموم مردم امکان استفاده از آنها را داشته باشند ـ نیست؛ بلکه هدف سوق دادن مردم به جانب اصول عالیه اخلاقی و نزدیک‌کردن سطوح زندگی همهٔ مردم به یکدیگر است؛ بنابراین اگر همهٔ مردم قادر به خریدن و بهره بردن از اجناس و کالاهای تجملی یا چیزی نزدیک به آن باشند، هیچ عیبی ندارد؛ لیکن تبعیض به‌صورتی چشم‌گیر به‌هیچ‌وجه روا نیست و خلاف با شئونات اسلامی است (همان، ص ۲۶۸).

نتیجه‌گیری

اسلام، خواهان رشد و تعالی و برتری مسلمین در تمامی زمینه‌ها، و ازجمله زمینه اقتصادی است و به‌عنوان کامل‌ترین مکتب الهی، افزایش هرچه بیشتر تولید و بهره‌برداری از طبیعت تا حداکثر ممکن را در چارچوب مقرراتی خاص، مورد تأکید قرار داده و تجاوز از این حدود را جایز نمی‌داند (مائده: ۸۷)؛ اما همیشه در این مسیر موانعی وجود دارد که رشد تولید را به‌مخاطره انداخته و تهدید می‌کند موانعی همچون شرک به خدا، کفران نعمت، عدم بهره‌برداری از سرمایه‌های طبیعی، اسراف در منابع تولید، فعالیت‌های عقیم اقتصادی، ثروت‌اندوزی، تمرکز ثروت در دست اغنیاء، چشم‌داشت به امکانات دشمن، رباخواری، عدم رعایت اصول و معیارهای تولید در جامعه اسلامی و...؛ ولی اسلام با اندیشیدن تدابیری به مبارزه با این موانع پرداخته و از به هدررفتن سرمایه‌ها در راه‌های غیرتولیدی و زیان‌بار جلوگیری به‌عمل آورده است.

منابع

ابراهیمی، محمدحسین، ۱۳۷۵، ***اقتصاد در قرآن***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن ابی‌جمهور، محمدبن زین‌الدین، ۱۴۰۵ق، ***عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة***، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهداء.

ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن علی، ۱۴۰۴ق، ***تحف العقول***، چ دوم، قم، جامعهٔ مدرسین.

احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، ***مکاتیب الرسول***ﷺ، قم، دار الحدیث.

بحرانی اصفهانی، عبدالله‌بن نورالله، ۱۴۱۳ق، ***عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال***، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسة الامام المهدیﷺ.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۷۳، ***نظام اقتصاد اسلامی***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پیمان، حبیب‌الله، ۱۳۵۷، ***مالکیت، کار و سرمایه***، تهران، بی‌نا.

جزائری، نعمت‌الله، ۱۴۲۷ق، ***ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار***، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.

حجازی، عبدالرضا، ۱۳۵۷، ***سیستم اقتصادی اسلام***، چ چهارم، تهران، بی‌نا.

حجتی کرمانی، علی، ۱۳۵۰، ***اقتصاد در مکتب اسلام***، تهران، جهان آرا.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، ***وسائل الشیعه***، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت.

حکیمی، محمد، ۱۳۷۶، ***معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، ***الحیاة***، ترجمهٔ احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خلیلیان، محمدجمال، ۱۳۹۰، ***شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام***، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

خوش‌نویس، جعفر، ۱۳۵۹، ***خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات***، ترجمهٔ مهدی انصاری، اصفهان، کتابخانه امام علی.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، ***درآمدی بر اقتصاد اسلامی***، قم، مؤسسهٔ در راه حق.

ـــــ ، ۱۳۷۴، ***مبانی اقتصاد اسلامی***، تهران، سمت.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۱۲ق، ***مفردات الفاظ القرآن***، بیروت، دار القلم.

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۵۷، ***اقتصادنا***، ترجمهٔ عبدالعلی اسپهبدی، قم، انتشارات اسلامی.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۸، ***عیون أخبار الرضا***، تهران، جهان.

ـــــ ، ۱۳۸۵، ***علل الشرائع***، قم، کتابفروشی داوری.

ـــــ ، ۱۴۱۳ق، ***من لا یحضره الفقیه***، قم، جامعهٔ مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، ***تفسیر المیزان***، ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعهٔ مدرسین.

قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، ***تفسیر نور***، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنایی، علی‌اکبر، ۱۴۱۲ق، ***قاموس قرآن***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، ***کافی***، چ چهارم، تهران، اسلامیه.

گروه مطالعاتی مؤسسه قرآنی ندای ملکوت، ۱۳۹۱، ***تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی***، قم، یوسف زهرا.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، ***بحار الأنوار***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدتقی، ۱۴۱۴ق، ***لوامع صاحبقرانی***، قم، اسماعیلیان.

محدث نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، ***مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل***، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۲، ***توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث***، ترجمهٔ سید ابوالقاسم حسینی، قم، دار الحدیث.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، ***نظری به نظام اقتصادی اسلام***، تهران، صدرا.

مظاهری، حسین، بی‌تا، ***مقایسه‌ای بین سیستم‌های اقتصادی***، قم، مؤسسهٔ در راه حق.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.